

## یک اثر ارزشمند روسی دربارهٔ زبان تالشی

### محرم رضایتی کیشه‌خاله

پاول ریس (۱۸۶۱-۱۸۳۱م) از نخستین پژوهشگران روسی است که دربارهٔ زبان تالشی شمالی به تحقیق پرداخته است. از مجموعه نوشته‌های او «کلیاتی دربارهٔ ساحل جنوبی دریای خزر» (مجلهٔ انجمن جغرافیایی قفقاز، سال ۱۸۶۴م، شماره ۶) و چند مقالهٔ کوتاه دربارهٔ ایران (روزنامهٔ قفقاز، سال ۵۶-۱۸۵۵م) به چاپ رسیده است. اما مهم‌ترین اثر وی «دربارهٔ تالش‌ها، طرز زندگی و زبان آنها» نام دارد که در شمارهٔ سوم مجلهٔ انجمن جغرافیایی قفقاز، در تفلیس به چاپ رسیده است. در واقع، این رساله اولین تجربهٔ علمی در بررسی ریشهٔ زبان‌های ایرانی در قفقاز است.

ریس در آغاز این رساله، پس از بیان مطالبی مختصر دربارهٔ پیشینهٔ تاریخی تالش‌ها به وصف موقعیت جغرافیایی و مسائل اجتماعی و مردم‌شناختی تالش شمالی پرداخته، و اطلاعات جالبی ارائه داده است که صرف نظر از ارزش تاریخی، از منظر هنری و ادبی نیز قابل توجه است. به سبب اهمیتی که این مطالب می‌تواند پس از گذشت حدود دو نسل (یک قرن و نیم) برای محققان امروز داشته باشد، فراهایی از آن را با تلخیص نقل می‌کنیم:

«به نظر می‌رسد سرزمین تالش گوشهٔ عجیبی از دنیاست. همه چیز در آن زیباست: طبیعت، مردم، خانه‌ها، و حتی حیوانات و... . طبیعت آستارا زیبایی حیرت‌انگیزی دارد. از مرز ایران تا شهر لنکران، جنگل‌های صعب‌العبور، زمین‌های کاملاً مرطوب و مردابی، با فراز و نشیب‌ها و رودخانه‌های متعدد وجود دارند. به سمت غرب و جنوب غربی، پستی و بلندی‌ها به کوه‌های بلند تبدیل می‌شوند و سرانجام در منطقهٔ سبیداژ، رشته کوه‌های بسیار بلندی را مشاهده می‌کنیم. همه‌جا سرسبز است، درختان چند صدساله همراه با پیچک‌ها، انگورهای وحشی و دیگر گیاهان شگفت‌انگیز... . گاه گیاهان چنان به هم نزدیک می‌شوند که گویی در هم تنیده‌اند. سواحل رودخانه‌ها با درختان بلند پوشیده شده‌اند و شاخه‌های درختان روی آب‌ها خم شده، پل‌های طبیعی را بر روی رودها ایجاد کرده‌اند. درختان میوه، نیاز به هیچ مواظبتی ندارند. جنگل‌ها پر از میوه‌های وحشی است که روس‌ها به نوعی از آنها «شیشکا» می‌گویند و شربتی خاص از آن تهیه می‌کنند. همین میوه را در باغ‌ها هم پرورش می‌دهند. امتداد ساحل دریا نیز پوشیده از نیزارهای بلند است.

جنگل‌ها پر از حیواناتی چون اردک، قرقاول، خوک وحشی (گراز)، آهو و غیره است. در سبیداژ حتی گوزن هم یافت می‌شود که به زبان تالشی به آن *viša gó* (گاو وحشی) می‌گویند. حیوانات درنده، مثل شغال، کفتار، گرگ، روباه، پلنگ، و یوز پلنگ به ندرت پیدا می‌شوند.

تالش‌ها حیوانات اهلی هم پرورش می‌دهند؛ از جمله نوعی گاو که مخصوص این منطقه است. این حیوان، قد کوتاهی دارد و زیباتر از گاو معمولی است. شاخ‌های بلند، چشمان براق، و پاهای نازک و قوی، آن را از دیگر گاوها متمایز می‌سازد. حیوانات اهلی این منطقه اندازه‌های چندان بزرگی ندارند. اسب‌ها ضعیف و لاغرند، ولی به چابکی از راه‌های باریکی که دهکده‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد، عبور می‌کنند. در تالش گوسفند و شتر به ندرت یافت می‌شود.

در فصل تابستان حیوانات اهلی را بدون هیچ مراقبت و نظارتی در جنگل‌ها رها می‌کنند. حیوانات هرچند خیلی دور می‌شوند، ولی با فرا رسیدن غروب به خانه بر می‌گردند. بانوی منزل کنار حصار خانه می‌ایستد و با صدای بلند حیوانات را فرا می‌خواند و آنها یکی‌یکی از جنگل بیرون می‌آیند. اگر حیوانی باز نگشت، به این معنی است که طعمهٔ حیوانات درنده شده است. متأسفانه من خود نتوانسته‌ام شاهد این صحنه شوم. در فصل زمستان حیوانات نزدیک خانه می‌چرند و شب در جایگاه خودشان می‌خوابند.

هوای تالش بسیار گرم و ناسالم است. رطوبت شدید باعث تب و لرز می شود. بخصوص شب ها هوا سنگین و خفقان آور است. در اواسط ماه نوامبر هوا آن قدر گرم بود که همه درخت ها سبز مانده بودند و بعضی از آنها تازگی بهاری داشتند. شب ها همه جا مملو از پشه بود.

اهالی آستارا بیش تر قد متوسط و اندام های استواری دارند، بندرت افراد قدبلند بین آنها دیده می شود. رنگ پوستشان سبز است و اندکی به هندی ها شبیه اند. خطوط چهره آنها مقداری خشن است. زن های تالش زیبا هستند. تالش ها مردمانی آرام، مهمان نواز، بی ریا، و تا حدی راحت طلب اند. اهل جنگ و دعوا نیستند. زندگی تالش ها با توجه به ویژگی های اقلیمی، از دیگر اقوام متمایز است، ولی روی هم رفته آنان پای بند رسوم دیگر مسلمانان هستند.

خانه های تالش ها در جنگل ها ساخته شده است. یک روستای تالشی معمولاً چند کیلومتر طول دارد و هر خانواده دارای یک یا دو خانه است با حصارهای کوتاه و حتی بدون حصار. آنها هیچ وقت درختان جنگل را حتی در کنار منزل خود قطع نمی کنند. خانه های آنها از چوب ساخته می شود، گاهی چوب های ناهموار و کج در گوشه ها به صورت ضربدری چیده می شوند، مثل خانه های روس ها. بیرون و داخل خانه ها گلی است؛ سقف بلندی دارند و پشت بام ها با نی خشک پوشانده می شود. در داخل خانه ها رو به روی درب ورودی، بخاری هایی به شکل کله قند تعبیه شده است. دودکشی وجود ندارد، و دود در اتاق پراکنده می شود. معمولاً دیوارها و سقف خانه ها سیاه است؛ دود از درب ورودی که نسبتاً ارتفاع بلندی دارد، بیرون می رود. این در هرگز بسته نمی شود. خانه های تالشی اغلب پنجره ندارند، ولی به جای آن، یک سوراخ چهارگوش بین بخاری و دیوار، تقریباً چسبیده به کف درست می شود که به کمک درهای چوبی بسته می شود. در منطقه تالش اصلاً شیشه به کار نمی رود. در این خانه ها در طول دیوار از درب ورودی تا بخاری، یک جایگاه گلی برای نشستن ساخته اند. قسمت انتهایی اتاق، بلندتر از قسمت جلویی است. کف خانه ها خاکی است، در دیوارها و سقف، از چوب استفاده می شود.

تالش ها مثل همه مردم مناطق مرطوب، بسیار کم غذا هستند. آنها نان نمی پزند. فقط بعضی از زمین داران پول دار به تأثیر از روس ها شروع به کشت گندم کرده بودند. غذای اصلی تالش ها برنج است که آن را در آب، بدون استفاده از روغن می پزند و به آن «چلاو» می گویند. آنان به ندرت گوشت می خورند ولی گاوهایشان شیر فراوانی دارند که از آن، کره، ماست و انواع لبنیات تهیه می کنند. تالش ها شیر تازه را خیلی دوست دارند. سبزیجات و میوه هم در برنامه غذایی آنان جای مناسبی دارد. مثل دیگر مسلمانان فقط آب و نوشیدنی های غیر الکلی می نوشند، مثل همه آسیایی ها روی زمین با دست، و از ظرف مشترکی که در میان یک سینی بزرگ قرار می گیرد، غذا می خورند.

لباس تالش ها فرق زیادی با لباس تاتارها ندارد. جز این که برخی از آنها از کلاه استفاده نمی کنند. همه تالش ها موی سرشان را می تراشند. برنج می کارند، اما کشت گندم در آنجا خیلی رواج ندارد. آنها باغبان های ماهری نیستند. درختان میوه، از جمله توت بدون مراقبت در جنگل ها رشد می کنند، ولی با این حال، خیلی میوه می دهند. ابریشم در تالش کیفیت مرغوبی ندارد. تالش ها در پرورش زنبور عسل موفق اند. حیوانات اهلی آزادانه می چرند. آنها حصیرها و سبدهای زیبایی می بافند و کار زیاد دیگری انجام نمی دهند».

بعد از این مقدمه که بخش هایی از آن را نقل کردیم، ریس به توصیف زبان تالشی لنکران پرداخته و درباره آن گفته است: «زبان تالشی از نظر دستوری و ریشه کلمات شباهت زیادی به زبان اسلاو دارد. از نظر آواشناسی، مصوت های زبان تالشی شبیه زبان های هندواروپایی است. این مصوت ها در زبان دیگری از مجموعه زبان های ایرانی، در زبان افغانی مشاهده می شود».

ریس برای این‌که آواهای تالشی را دقیق‌تر نشان بدهد، هم از حروف روسی و هم از الفبای عربی استفاده کرده است. به نظر او صامت II تالشی، مانند I در زبان‌های اروپای غربی تلفظ می‌شود. او برای نخستین بار متوجه صامت‌های نرم در برخی از کلمات تالشی شده و آنها را با علامت روسی Ъ نشان داده است.

علی اکبر زاهد، روحانی لنگرانی که خود اهل تالش بود، به دستور نیکولای خانیکوف به جمع‌آوری کلمات، داستان‌ها و قصه‌های تالشی پرداخت. ریس برای نوشتن بعضی از کلمات، از مجموعه‌ای او بهره‌مند بوده است.

ریس برای مطالب خود مراجع زیادی در اختیار نداشته است. ابتدا به دستور زبان تالشی پرداخت و آن را با زبان‌های دیگر (اسلاوی، تاتاری، و...) که شباهت بیش‌تری با آن دارند، مقایسه کرد و سپس فهرستی از کلمات و جمله‌های تالشی را با ترجمه روسی آورد که آنها را از زبان خود تالش‌ها شنیده بود. اکنون به بخشی از مطالب زبانی که ریس در رساله خود بدان پرداخته است، اشاره می‌کنیم:

در زبان تالشی همه اسم‌ها به یک شیوه صرف می‌شوند. صرف اسم، نه با تغییر پایانه، بلکه با افزودن حروف اضافه به ابتدا و انتهای آن صورت می‌گیرد. در اینجا به صرف اسم در زبان تالشی اشاره کرده و هفت حالت را در نظر گرفته است:

حالت نهادی (dâs)، حالت ندایی (yâ dâs)، حالت اضافی (čə dâs)، حالت به‌ای (ba dâs)، حالت مفعولی (dâs)، حالت بایی (dâsi-ku)، و حالت دری (dâsi-da).

در صرف کلمات مختوم به مصوت، در حالت جمع، حرف صدادار حذف می‌شود:

زُؤ = зүа (zua) = پسر K زُوؤن (zuón) = پسرها

حالت اضافی با نشانه چی (čə) ЧЫ مشخص می‌شود و مضاف الیه مقدم بر مضاف است:

چی اُوْدَاللَّه زُؤ = чы авдулла зүа (čə avdullâ zua) = پسر عبدالله.

صفت در ترکیب با اسم، بر آن مقدم می‌شود و افزونه (a) به آخر آن اضافه می‌شود، اما فاقد ویژگی دستوری حالت و شمار است:

چوکِ اَسْبُ چوکا асп (čók-a âsp) = اسب خوب

یُولَ كَه (yül-a ka) = خانه بزرگ

رُوكَ كِژُون (ruk-a kižón) = پرندۀ های کوچک

صفت تفضیلی در تالشی شکل خاصی ندارد. برای بیان تفضیل، صفت تغییر نمی‌کند، بلکه اسم در حالت اضافی قرار می‌گیرد و پایانه صرفی (sa) ca بدان افزوده می‌شود:

ум асп чокэ чей-са (um âsp čóke čey-sa) = این اسب از آن بهترست.

البته، در توصیف و تکمیل حالت اضافی، مطالب و مثال های دیگری نیز آورده است که مسلماً برخی از آنها نادرست است. اریس به دنبال اسم و صفت، انواع ضمائر (شخصی، ملکی، مشترک، اشاره، پرسشی، و موصولی) را با مثال هایی معرفی کرده است. مفصل ترین بخش این رساله، بحث مربوط به فعل است. هرچند خالی از اشتباه نیست، اما نکات ارزشمند و جالب توجهی نیز دارد.

به نظر وی برای صرف فعل ها در زبان تالشی قاعده مشخصی وجود دارد. به افعالی که از این قاعده صرفی تبعیت نکنند، افعال بی قاعده می گویند. از نمونه افعال بی قاعده، بی (bey) бей = بودن، را نام برده، و آن را در زمان ها و صیغه های مختلف صرف کرده است:

#### ۱- مضارع اخباری:

|            |               |               |                |
|------------|---------------|---------------|----------------|
| من هستم    | âz hestəm     | âz гестым     | آز هستِم       |
| تو هستی    | tə hestəš     | ты гестыш     | تی هستِش       |
| او هست     | av hestə      | ав гесты      | أو هستی        |
| ما هستیم   | ama hestəmón  | ама гестымôh  | أمه هستِمُون   |
| شما هستید  | šəma hestəyón | шыма гестыiôh | شِمَه هستِیُون |
| آنها هستند | avón hestən   | авôh гестын   | أوون هستِن     |

#### ۲- زمان گذشته:

|            |            |           |              |
|------------|------------|-----------|--------------|
| من بودم    | âz bim     | âz бэм    | آز (می) بِم  |
| تو بودی    | tə biš     | ты бэш    | تی بِش       |
| او بود     | av (ay) bi | ав(ай) бэ | أو (ای) بی   |
| ما بودیم   | ama bimón  | ама бэмôh | أمه بِمُون   |
| شما بودید  | šəma biyón | шыма бiôh | شِمَه بِیُون |
| آنها بودند | avón bin   | авôh бэн  | أوون بِن     |

#### ۳- زمان آینده ساده:

|              |               |               |                |
|--------------|---------------|---------------|----------------|
| من می شوم    | âz ba bim     | âz ба бэм     | آز بَبِم       |
| تو می شوی    | tə ba biš     | ты ба бэш     | تی بَبِش       |
| او می شود    | av ba bi      | ав ба бэ      | أو بَبی        |
| ما می شویم   | ama ba bimón  | ама ба бэмôh  | أمه بَبِمُون   |
| شما می شوید  | šəma ba biyóm | шыма ба бéiôh | شِمَه بَبِیُون |
| آنها می شوند | avón ba bin   | авôh ба бэн   | أوون بَبِن     |

#### ۴- زمان آینده مرکب:

|                 |                  |                  |                  |
|-----------------|------------------|------------------|------------------|
| من خواهم بود    | âz (mə)ria bəbəm | âz(мы)ria быбым  | آز (می) پیّه بېم |
| تو خواهی بود    | tə ria bəbi      | ты ria быби      | تی پیّه بی       |
| او خواهد بود    | av (ay)ria bəbu  | ав (ай)ria быбў  | أو (ای) پیّه ببو |
| ما خواهیم بود   | ama ria bəbamón  | ама ria бы бамôn | أمه پیّه بېمُون  |
| شما خواهید بود  | šəma ria bəbiyón | шыма ria быбіôn  | شمه پیّه بییُون  |
| آنها خواهند بود | avón ria bəbón   | авôn ria быбôn   | أوون پیّه ببون   |

۵- وجه امری:

|       |        |        |     |
|-------|--------|--------|-----|
| بباش  | bə-bi  | бы-би  | ببی |
| باشید | bə-ban | бы-бан | ببن |

۶- وجه ناتمام:

|      |     |     |     |
|------|-----|-----|-----|
| بودن | bēy | бей | بئی |
|------|-----|-----|-----|

۷- وجه التزامی:

|            |               |              |            |
|------------|---------------|--------------|------------|
| من باشم    | âz bə-bəm     | âz бы-бым    | آز بېم     |
| تو باشی    | tə bə-bi      | ты бы-би     | تی بی      |
| او باشد    | av bə-bu      | ав бы-бў     | أو ببو     |
| ما باشیم   | ama bə-bamón  | ама бы-бамôn | أمه بېمُون |
| شما باشید  | šəma bə-biyóm | шыма бы-біôn | شمه بییُون |
| آنها باشند | avun bə-bón   | авôn бы-бôn  | أوون ببون  |

به نظر ریس، صرف این فعل شباهت زیادی با صرف فعل در زبان های اسلاو کلیسایی (باستانی) دارد. حرف t (ت) در زمان حال این فعل، خیلی ضعیف تلفظ می شود. افعال گذشته هم در تالشی مانند زبان های اسلاو صرف می شوند.

زمان حال اخباری این فعل، مانند زبان فارسی شکل کوتاهی نیز دارد که مستقلاً به کار نمی رود، بلکه به گزاره می پیوندد و آن را به فعل قابل تبدیل می کند. در شکل کوتاه، برای اول شخص مفرد (им (im)، برای دوم شخص مفرد (иш (iš))، برای سوم شخص مفرد (é) (ē)، برای اول شخص جمع (имôn (imón)، برای دوم شخص جمع (iôn (iyón) و برای سوم شخص جمع (ин (in) می آید. در این صورت، اسم همواره شکل مفرد دارد:

|          |             |             |              |
|----------|-------------|-------------|--------------|
| من خوبم  | âz čokim    | âз чоким    | آز چوکیم     |
| تو خوبی  | tə čokiš    | ты чокиш    | تی چوکیش     |
| او خوبست | av čokē     | ав чокé     | أو چوکیی     |
| ما خوبیم | ama čokimun | ама чокимон | أمه چوکیمُون |

|            |              |              |                 |
|------------|--------------|--------------|-----------------|
| شما خوبید  | šəma čokiyóm | ШЫМА ЧОКИИОН | شِمَه چُوكِيُون |
| آنها خوبند | avón čokin   | авОН ЧОКИН   | أَوُون چُوكِين  |

ریس پس از صرف این فعل، به صرف افعال باقاعده پرداخته و آورده است: «وجه مصدری در تمام افعال تالشی با -ی́ éй ((ey)) مشخص می شود. زمان حال، مثل زبان های فارسی و تاتاری بر معنی آینده نیز دلالت می کند، اما زمان گذشته فاقد پایانه های صرفی مشخص است. البته، چنین ساختی، با قید فعلی گذشته (صفت مفعولی)، و فعل کمکی «بودن» همراه است. شخص در این افعال، مانند زبان روسی به کمک ضمائر نشان داده می شود. او سپس فعل باقاعده ویندی́ vindéy)) = دیدن، را در چند وجه و زمان صرف کرده است:

#### ۱- مضارع اخباری:

|               |              |              |              |
|---------------|--------------|--------------|--------------|
| من می بینم    | âz vindam    | âз виндэм    | آز ویندم     |
| تو می بینی    | tə vindaš    | ты виндэш    | تی ویندش     |
| او می بیند    | av vinda     | ав виндэ     | او وینده     |
| ما می بینیم   | ama vindamón | ама виндэмон | امه ویندمون  |
| شما می بینید  | šəma vindân  | шыма виндân  | شِمَه ویندان |
| آنها می بینند | avón vندان   | авон виндэн  | أَوُون ویندن |

#### ۲- زمان گذشته ۱:

|            |               |               |               |
|------------|---------------|---------------|---------------|
| من دیدم    | âz vindē      | âз (мы) виндэ | آز (می) ویندی |
| تو دیدی    | tə vindē      | ты виндэ      | تی ویندی      |
| او دید     | av (ay) vindē | ав (ай) виндэ | او (ای) ویندی |
| ما دیدیم   | ama vindē     | ама виндэ     | امه ویندی     |
| شما دیدید  | šəma vindē    | шыма виндэ    | شِمَه ویندی   |
| آنها دیدند | avón vindē    | авон виндэ    | أَوُون ویندی  |

#### ۳- زمان گذشته ۲:

|               |               |               |               |
|---------------|---------------|---------------|---------------|
| من می دیدم    | âz vinda      | âз (мы) винда | آز (می) وینده |
| تو می دیدی    | tə vinda      | ты винда      | تی وینده      |
| او می دید     | av (ay) vinda | ав (ай) винда | او (ای) وینده |
| ما می دیدیم   | ama vinda     | ама винда     | امه وینده     |
| شما می دیدید  | šəma vinda    | шыма винда    | شِمَه وینده   |
| آنها می دیدند | avón vinda    | авон винда    | أَوُون وینده  |

#### ۴- گذشته بعید:

|              |                 |                  |                  |
|--------------|-----------------|------------------|------------------|
| من دیده بودم | âz (mə) vindabē | âz (мы) винда бэ | آز (می) وینده بی |
| تو دیده بودی | tə vinda bē     | ты винда бэ      | تی وینده بی      |

۵- آینده مرکب:

|                      |                     |                    |
|----------------------|---------------------|--------------------|
| âz (mə) pia bəvindəm | âz (мы) pia бывидым | آز (می) پیه بویندم |
|----------------------|---------------------|--------------------|

یعنی: من می خواهم ببینم. این فعل، مانند آینده مرکب فارسی صرف می شود. در ساختمان این فعل، فقط ИНДӘМ (vindəm) تغییر می کند که وجه التزامی دارد.

۶- وجه امری:

|        |           |           |       |
|--------|-----------|-----------|-------|
| بویند  | бЫ-винд   | bə-vind   | بین   |
| بویندن | бЫ-виндан | bə-vindan | بینید |

۷- مضارع التزامی:

|               |                  |                  |             |
|---------------|------------------|------------------|-------------|
| آز بویندم     | âэ бы-виндым     | âz bə-vindəm     | من ببینم    |
| تی بویندی     | ты бы-винди      | tə bə-vindi      | تو ببینی    |
| او بویند      | ав бы-винды      | av bə-vində      | او ببیند    |
| آمه بویندمون  | ама бы-виндамон  | ama bə-vindamón  | ما ببینیم   |
| شمه بویندیون  | шыма бы-виндаiон | šəma bə-vindayón | شما ببینید  |
| اوون بویندوون | авон бы-виндон   | avón bə-vindon   | آنها ببینند |

۸- وجه ناتمام:

|       |        |        |      |
|-------|--------|--------|------|
| ویندی | виндэй | vindey | دیدن |
|-------|--------|--------|------|

۹- قید فعلی حال:

|       |       |       |        |
|-------|-------|-------|--------|
| اویند | авинд | avind | بیننده |
|-------|-------|-------|--------|

۱۰- زمان گذشته ۱:

|          |          |          |          |
|----------|----------|----------|----------|
| ویندی    | виндэ    | vindē    | دید      |
| وینده شی | винда шэ | vinda šē | دیده است |

۱۱- زمان گذشته ۲:

|          |           |           |            |
|----------|-----------|-----------|------------|
| دیده بود | vindaš bē | виндаш бé | ویندَشُ بی |
|----------|-----------|-----------|------------|

وی به دنبال این فعل، ضمن صرف بعضی از فعل های ناقص، اشکال افعال نفی را به صورت زیر توصیف کرده است:

۱- ادات نفی (ni) ни بین ضمیر و فعل قرار می گیرد.

۲- ادات نفی (ni) ни پس از فعل می آید.

سپس فعل (ni-vindey) ни-виндéй = ندیدن، را در وجه ها و زمان های مختلف صرف کرده است که محض نمونه، مضارع اخباری آن را در اشکال فوق نقل می کنیم:

|                |                  |                  |                       |
|----------------|------------------|------------------|-----------------------|
| من نمی بینم    | âz nima vind     | âз нима винд     | آز نِیمَه ویندُ       |
| تو نمی بینی    | tə niša vind     | ты ниша винд     | تِی نِیشَه ویندُ      |
| او نمی بیند    | av nia vind      | ав нiэ винд      | اَو نِیَه ویندُ       |
| ما نمی بینیم   | ama nimóna vind  | ама нiмына винд  | اَمَه نِیمَنَه ویندُ  |
| شما نمی بینید  | šəma niyóna vind | шыма нiо́на винд | شِمَه نِیَوَنَه ویندُ |
| آنها نمی بینند | avón nina vind   | аво́н нина винд  | اَوُون نِینَه ویندُ   |

|                |                 |                  |                     |
|----------------|-----------------|------------------|---------------------|
| من نمی بینم    | âz vindam ni    | âз виндам ни     | آز ویندَم نِی       |
| تو نمی بینی    | tə vindaš ni    | ты виндаш ни     | تِی ویندَش نِی      |
| او نمی بیند    | av vinda ni     | ав винда ни      | اَو ویندَه نِی      |
| ما نمی بینیم   | ama vindamón ni | ама виндамо́н ни | اَمَه ویندَمُون نِی |
| شما نمی بینید  | šəma vindân ni  | шыма виндâн ни   | شِمَه ویندَان نِی   |
| آنها نمی بینند | avón vindan ni  | аво́н виндэ́н ни | اَوُون ویندَن نِی   |

موضوع بعدی رساله ریس، مبحث قید است که به نظر او همه صفات کیفی بدون هیچ تغییری در زبان تالشی قید هم محسوب می شوند:

چوکُ (čök) (čók) = خوب

نِز (niz) (niz) = نزدیک

کُون (kón) (kón) = سنگین

سبکُ (səvək) (səvək) = سبک

او افزوده است قیدهای کمی مثل قیدهای مکان و زمان، هیچ مشخصه ای ندارند. بعد از این مباحث، به حروف اضافه و ربط پرداخته و شواهدی ذکر کرده است. در نهایت، کلام خود را چنین به پایان رسانیده است: «این بود خلاصه دستور زبان

تالشی، چیزی که من توانستم در طول سفرم به سرزمین زیبای تالش جمع آوری نمایم. متأسفانه نتوانستم بیش تر درباره این زبان جالب تحقیق کنم. نوشته های من ثابت می کند که زبان تالشی ریشه در زبان های اسلاو، و هندواروپایی دارد. در زمان های بسیار دور از ریشه خود جدا شده ولی هنوز هم اصالت های بسیاری را حفظ کرده است و از این نظر، بررسی این زبان کهن اهمیت دارد».

بعد از مباحث دستوری، حدود چهارصد و پنجاه واژه تالشی را با آوانویسی روسی و احياناً عربی ضبط و به روسی ترجمه کرده است. این واژه نامه کوچک در حقیقت اولین فرهنگ موضوعی زبان تالشی است. به دنبال این واژه نامه، حدود چهل جمله ساده و مرکب تالشی را با ترجمه روسی آنها آورده است. پایان بخش رساله هم چند دوبیتی است که بدون آوانوشت، به روسی ترجمه شده است. این اشعار را با آوانویسی لاتین و ترجمه فارسی خدمت خوانندگان عزیز تقدیم می کنیم:



چوکِی بَیرِ بَبَانْدُونُ کَاشْتَه کَارْدَیْ      دَئی بَشَانْکَه یُوُونُ گَشْتَه  
کَارْدَیْ  
هَارُ کِه مِیُون دِی یُووی بَدُ بَهْوَزَه      چِی کِه سُوْتِی بَبِیَه  
دَاشْتَه کَارْدَیْ

čoke babər ba bāndun kāšta  
kārdey  
deyi bašānka yuvun gašta kārdey  
hār ki məyun də yuvi bad bəhužə  
čay ka sute babia dāšta kārdey

[چه] خوب خواهد بود در کوهستانها زراعت کردن!

همچنین با دوستان نیک قدم زدن!

هر که بین دو دوست سخن ناروایی بگوید،

خانه او را می شود سوزاند (الهی! خانه او بسوزد و خراب شود).



بُوژ اَگِیَه صِیَاَدِ پِی اُو نِی بَبُو      چَشِشُ چِی رَتْکَاهُ سِی اُو نِی بَبُو  
اَگَمُ صِدْقِ بَه یَزْدَانِی دُرُسْتُ بُو      مَرَادِ حَاصِلِی دِی اُو نِی  
بَبُو

buz agiyya sayyād pi uni babu  
čašeš čeratiku si uni babu  
agam sədqə[r] ba yazdāni durust  
bu  
morādə[r] hāsəle di uni babu

صیاد بازگیر [تا زمانی که] پیر نشود،

چشم‌های او از شکار [هرگز] سیر نمی شود.

اگر ایمان تو به خداوند حقیقی باشد،

دیری نمی گذرد که به آرزوی خود می رسی.



بَشَن بُوتَنُ بَه یُووِیمُ سَرُو نُوزِی کِرِنَگَه گَرْدَنِی چَشُونُ

چُو بُوزِی

اَوُولِیو بُوَشُ چی اوستودی مگاردیشُ خُودُ پَرَسْتُونُ بَهَارْدِینُ وَقْتِ

بُوزِی

bəšan butan ba yuvim sarvə nuzi  
kərənga gardani čašun ču buzi  
uvliyu buš čə ustudi magârdiš  
xudparastun bahârdin vaqti buzi

بروید به یارم که چون سرو ناز است، بگوئید

[به یاری که] گردنش چون [گردن] درنا است و چشم‌هایش چون [چشم] باز:

[اگرچه] از اولیا باشی، از استاد [خود] اعراض مکن.

[چرا که] خودخواهان وقتی فریب خواهند خورد.



بُوزِی بِنِنُ بَه پَوُوزِی بی پُو بِنْدُ رُوژِی بَبِی بُوزِی

بِگِیئِمُ خُدُووَأَنْدُ

کَانَه بُوزُونُ هَمَه فَاَنْدِینُ هَمَه فِیلُ کِرْهَه بُوزُونُ بَه هُونَه چُوکِنُ

بُومَانْدُ

buzi binan ba pavuzi be puband  
ruži babi buzi bigem xodovând  
kâna buzun hama fândin hama fil  
kəža buzun ba huna čukin  
bumând

به باز نگاه کنید که بدون پای‌بندی در پرواز است.

ای خداوند! روزی می شود که آن باز را شکار کنم؟

بازهای پیر، همه شون زیرک اند و مکار

[اما] بازهای کوچک با خواندن خوب رام می شوند.

کتابنامه

Москва, Талышский язык ,(Б.В.Миллер(1953

Заниски ,Талышинцахь, их образе жизни и языке.(Рисс.П.Ф.О(1855

Кавказского отдела, Русского географического общества, и 3,Тифлис,с1-72

---

۱- رساله ریس، توسط اینجانب و خانم شهناز محمدزاده به فارسی ترجمه شده و به زودی منتشر خواهد شد. در تعلیقات آن به اشتباهات ریس در موارد مختلف اشاره شده است.

این مقاله در همایش تالش شمالی، که اسفند ماه ۱۳۸۵ در مؤسسه تاریخ معاصر ایران در تهران برگزار شده بود، به صورت سخنرانی ارائه شد.

برگرفته از: وبلاگ "گلبانگ تالشی"